



منزلت زن در نظام الاهی، مادی و معاهدات بین المللی

✦ ثریا مکتون

در نیم قرن اخیر، موضوع رسیدگی به حقوق زنان و تعیین منزلت مطلوب و عادلانه برای آنان در نظام های مختلف فکری مورد توجه قرار گرفته و راه حل های متفاوتی به دنبال تحقیقات و مطالعات رسمی برای آن ارائه شده است. محرومیت زنان از حقوق انسانی ریشه ی تاریخی داشته است و ظلم بر آنان و اسارت ایشان به شکل های مختلف تا امروز در جوامع گوناگون مشاهده می شود. به همین دلیل، سازمان ها و نهادهای مختلف پژوهشی مطالعه جایگاه زنان را از موضوعات اصلی فعالیت خود قرار داده اند.

۱. مطالعه ی حقوق زنان در سه سطح

احقاق حقوق زن و رفع مظلومیت از وی، در هر نظامی مطابق با خصوصیات فرهنگی و

✦ عضو هیات عملی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مدیر گروه بررسی مسایل زنان

سیاسی، تعریفی است که آن سیستم از انسان ارائه می دهد. به این جهت، تعاریفی که از مفاهیم مربوط به زنان مانند: برابری، آزادی، تبعیض و... امروز رایج است، بیانگر خواسته‌ی سازمان‌های جهانی از دولت‌ها و کشورهای برای رسیدگی به حقوق زنان در آن کشورها است. چگونگی نگرش به جایگاه زنان و حقوق آنان در سه سطح طبقه بندی شده است:

- **سطح اول** در برگیرنده‌ی قوانین و لوایحی مربوط به حقوق شخصی مانند: حق زن در مقابل شوهر، پدر و مادر، فرزند، اجتماع و... است.

- **سطح دوم** که از منزلت بالاتری نسبت به حقوق فردی برخوردار است، دربرگیرنده‌ی حقوق گروهی و اجتماعی قشر بانوان است. حقوق صنفی بانوان مانند: حق رای، حق تحصیل، اشتغال و... را می توان از این سنخ برشمرد.

- **سطح سوم**، توسعه یافته تر از دو سطح دیگر و حقوقی است که مربوط به حضور و مشارکت زنان در عرصه‌ی تصمیم گیری و تصمیم سازی‌های استراتژیک بوده و بالاترین حوزه‌ی اثرگذاری در جامعه را دارا است که حقوق «سازمانی» نامیده می شود.

در حال حاضر بیشتر تلاش‌هایی که برای رسیدگی به حقوق زنان صورت می گیرد در سطح فردی است که این نگرش به دلیل خردنگری و عدم توجه به نیازهای حقیقی و نقش اساسی که زنان در اجتماع می توانند به عهده گیرند و همچنین عدم ملاحظه‌ی توانایی‌های ذهنی و روحی و فیزیکی آنان نتوانسته است تغییر عمده‌ای نسبت به رفع ظلم از زنان و ارتقای منزلت آنان در جهان ایجاد کند.

نگرش مجموعه‌ای و گروهی بایک درجه امتیاز نسبت به سطح فردی به حقوق اجتماعی زنان توجه داشته است و تا حدودی می تواند در برنامه‌های رسمی هر کشور اثرگذار باشد.

راهکارهایی هم که ارائه می دهد در سطح اقشار و اصناف مختلف بانوان موثر است. چنانچه بررسی حقوق زنان و جایگاه آنان در سطح سازمانی و توسعه‌ای صورت گیرد،



نقش آنان در منزلت‌های تصمیم‌سازی و استراتژیک که هم برای زنان و هم مردان سرنوشت‌ساز است، آشکار می‌شود. آن‌چه در ایران بیشتر به آن توجه می‌شود، تلاش‌هایی در سطح گرفتن حقوق فردی و اندک بانوان است و به نیاز زنان در دو سطح گروهی و سازمانی، کمتر توجه می‌شود. تلاش‌های سازمان‌های غیر دولتی و مراکز دولتی در امور زنان از انتخاب موضوع گرفته تا اجرای تحقیقات علمی، اغلب در سطح اول است. پژوهش‌ها و مطالعات دانشگاهی در موضوع زن، بیشتر در سطح دوم (گروهی) است، زیرا بیشتر دغدغه‌های بانوان ایرانی را مشکلات فردی مانند: شغل، تامین امکانات رفاهی، مشکلات آموزشی و از این قبیل تشکیل می‌دهد و به ندرت زنان حتی در حیطه‌ی تخصصی به کمبودهایی چون عدم دسترسی به منابع علمی مناسب و تفاوت‌های اصولی و زیربنایی در موضوعات مختلف مربوط به خود حساسیت دارند.

به ظاهر به نظر می‌رسد که بیشتر سازمان‌های غیر دولتی بانوان در ایران برای رسیدگی به حقوق شخصی و فردی زنان و باهدف اندک اقتصادی، سیاسی و خدماتی، تاسیس شده‌اند و فعالیت‌های کمی در سطح سازمانی دارند. به علاوه، اگرچه بعضی سازمان‌های غیردولتی در بالا بردن سطح آموزش و آگاهی بانوان نقش عمده‌ای داشته‌اند، ولی افزایش اطلاعات ذهنی بدون توجه به هدف توسعه‌ای و تولید محتوای نظری و نیز ملاحظه‌ی الگوی مطلوب، بستری برای بالا بردن منزلت زن در جامعه نمی‌تواند باشد. باید اقرار کرد که اغلب تشکل‌های دولتی و غیردولتی داخل کشور که با سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل همکاری دارند، خود را پاسخگوی سوالات و موضوعاتی می‌دانند که توسط این سازمان‌ها و هماهنگ با اهداف آنان تولید می‌شود و کمتر برای شناسایی موضوعات مبتلا به جامعه‌ی اسلامی و ارائه‌ی راه حل برای آن تلاش می‌کنند.

در جوامع غربی برخورد با حقوق زنان در سطحی بالاتر، یعنی گروهی و مجموعه‌ای صورت می‌گیرد. شاید به این دلیل که زنان در اغلب کشورهای غربی به جهت اقتصادی

دارای استقلال هستند و باید از سنین نوجوانی برای اداره‌ی زندگی خود درآمدی داشته باشند؛ بنابراین دغدغه‌های اداره‌ی زندگی و ایجاد آرامش و امنیت برای خود و اطرافیان، کمتر به آن‌ها فرصت پرداختن به امور شخصی و فردی و خودنمایی می‌دهد، هر چند از نظر اخلاقی خودنمایی و فریفته‌گری پسندیده نیست، ولی در جامعه‌ی غرب، این حرکت همسو با اهداف نظام سرمایه‌داری و هماهنگ با سیستم اداره‌ی جامعه، تحرک چرخ‌های صنعت، توسعه‌ی نیازهای ایجاد شده‌ی زنان را سبب شده و به نفع اقتصاد جامعه‌ی غربی است؛ البته در نظام‌های غربی استفاده‌ی ابزار از زن برای افزایش سود سرمایه و بالا بردن جایگاه اقتصادی و حتی سیاسی، بسیار رایج است و با وجود تلاش سازمان‌های طرفدار حقوق زن مانند: نهضت‌های فمینیستی، هم‌چنان در سراسر جهان، زنان در وضعیت بحرانی به سر می‌برند.

«در خلاصه‌ی گزارش کمیسیون اروپایی که در سال ۱۹۹۹ تصویب شد و در سومین گزارش سالانه درباره‌ی فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در اتحادیه‌ی اروپا، یکی از هدف‌های اصلی که کمیسیون اروپا دنبال می‌کند، تهیه‌ی قطعنامه‌ای است که بتواند نرخ حضور زنان را در کار کمیته‌های مشاوره‌ای، دفاتر برنامه‌ریزی و سایر بخش‌های تصمیم‌گیری در زمینه‌ی تحقیق و تکنولوژی تا چهل درصد افزایش دهد.

در همین گزارش اشاره می‌شود که در حال حاضر بیش از هشتاد درصد زن‌های کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا، دارای مشاغل پاره وقت در بخش خدمات هستند.^۱ از طرفی در جامعه‌ی غربی، مردان در امور استراتژیک، حضور آشکارتری دارند؛ همچنین زنان نیز به مراتب بیش از کشورهای در حال توسعه، مانند: ایران در سطح تصمیم‌گیری حضور موثر دارند.

عدم توجه به اهداف سیستم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در ایران و کشورهای مشابه، سبب شده تا زنان جایگاه و منزلت مناسب خود را به تدریج از دست بدهند و توجه به



فرهنگ غربی، کاهش گرایش به قوانین دینی را در پی داشته باشد. به علاوه تاکید بر امور شخصی و فردی زنان و توجه به خود به بهانه‌ی مراقبت و حفظ خانواده و استحکام روابط زناشویی و ارضای نیازهای شخصی خود و همسر، به علت عدم ارتباط نیاز با روش‌های ارضاء و سیستم اقتصادی، نه تنها سودی برای جامعه و اهداف نظام اسلامی ندارد، بلکه به دلیل مصرف بی‌رویه، خسارت‌هایی نیز به جامی گذارد. به علاوه، در سطح فردی نیز در بلندمدت ناهنجاری‌هایی در جامعه پیدا خواهد شد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ایجاد بستر پذیرش برای الگوهای روحی، ذهنی و رفتاری غربی و عادی ساختن آن در نظام اسلامی حتی برای خانواده‌های متدین.

- گسترش نگاه فردی و انتزاعی به دین و مناسک اسلامی و جدا دیدن دین از حوزه‌های سیاست و فرهنگ.

- افزایش زمان فراغت زنان به دلیل تکنیکی شدن وسایل روزمره‌ی زندگی و عدم توجه به لزوم برنامه‌ریزی برای استفاده مناسب از اوقات فراغت آنان.

- تحمیل هزینه‌های اقتصادی و افزایش وابستگی به نظام‌های غربی در استفاده از الگوها و لوازم مصرفی.

- تاکید بر موضوعات شخصی و پرداختن به ظواهر زندگی و افزایش پیروی از هوای نفس در زنان و تولید خصوصیات رفتاری ضد دینی، چون حرص، حسادت و رقابت‌های نابجا.

- ایجاد خصوصیات که حتی زندگی خانوادگی و فردی را با خطر و از هم پاشیدگی روبه‌رومی کند به رغم آن‌که حفظ نهاد خانواده، هدف این‌گونه تفکر است.

- غفلت‌ورزی زنان جامعه از درک ارتباط و تقویم موضوعات اقتصادی و مصرفی به وابستگی سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی

با توجه به آن‌چه ذکر شد روش‌هایی که برای رسیدگی به وضعیت زنان و احقاق حقوق

آنان ارائه می‌شود، نتیجه مطلوبی ندارد و با هدف نظام اسلامی یعنی ترویج اخلاق دینی و رفتار ایثارگرایانه و به دور از خودخواهی‌های فردی، هماهنگ نیست. تاکید بر خودگرایی، حاصلی جز خودمحوری و خودباوری، توسعه و پرورش انگیزه‌های فردی و کم توجهی به وقایع و رویدادهای اجتماعی و جهانی نخواهد داشت؛ در حالی که در دوران انقلاب اسلامی و سال‌های جنگ تحمیلی، زنان به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی، محور فعالیت‌های خود را امور «سازمانی» و «گروهی» قرار داده بودند.

۲. وضعیت کنونی زنان در جهان

به‌رغم استقلال اقتصادی و شعارهای آزادی و برابری زنان در غرب به جهت حقوق انسانی و نیازهای روحی و عاطفی و حضور در تصمیم‌های اساسی و موثر، زنان غربی هنوز نتوانسته‌اند به جایگاه مطلوب دست یابند. به این جهت همه ساله سازمان‌ها و تشکیلات متعددی با گرایش‌های خدماتی، سیاسی، فرهنگی و جنسیتی برای ایجاد برابری و تساوی زنان و مردان تاسیس می‌شود. آمار ستم نسبت به زنان و افزایش خشونت به ویژه در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته، خود دلیلی بر این مدعا است.^۲

به دلیل نقش حساس زنان در پدیده‌ی جهانی شدن و در جهت تامین اهداف تصمیم سازان بین‌المللی، در بیست و پنج سال گذشته، پنج کنفرانس جهانی ویژه‌ی زنان از سوی سازمان ملل جهت تضمین راهبردها و سیاست‌های جهانی برای اجرا و تحقق مفاد کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، برگزار شد که در تمام این نشست‌ها به تعارض مشکلات و مسایل مورد ابتلای زنان در جوامع مختلف با قوانین مصوب، اشاره شده است.

با وجود این، پس از گذشت بیش از نیم قرن از تاسیس سازمان ملل و تصویب قراردادها و مقاله‌نامه‌های متعدد و برگزاری ده‌ها اجلاس و کنفرانس در زمینه‌ی گرفتن حقوق زنان به دلیل مشکلات مبنایی که در تنظیم این گونه قوانین وجود دارد، وضعیت اجتماعی زنان نه تنها بهبود نیافته است، بلکه در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی پیچیدگی‌های



بیشتری یافته که به آسانی قابل رفع نیست.

یکی از عوامل عمده‌ای که سبب شد تلاش زنان در غرب برای رسیدن به خواسته‌های خود هنوز نتیجه‌ای ندهد و نهضت‌های طرفدار زنان نتوانند هدایت و برنامه‌ریزی امور مربوط به خود را به طور کامل به عهده گیرند، مبنای خواسته‌ها و نیازهای این گروه‌ها و مکاتب طرفدار حقوق زن است.

در کشورهای غربی چارچوب و اصول حقوق مردان به عنوان حق انسانی پذیرفته شده و سعی بر این است که زنان به آن مقدار از حقوق یعنی برابری با مردان دست یابند؛ اما کمتر به این نکته توجه می‌شود که در غرب، مردان هم به حق واقعی خود دست پیدا نکرده‌اند و هر دو - زن و مرد - زیر نظر سیطره‌ی استکبار و نظام سرمایه‌داری قرار دارند. از آن‌جا که قدرت اجرایی و تصمیم‌گیری در عمل به دست مردان است به نظر می‌رسد که آن‌ها از آزادی و قدرت اختیار بیشتری برخوردارند؛ اما در حقیقت تعدادی از مردان به دلیل داشتن پشتوانه‌ی نظام استکباری، ظالمانه و قدرت‌مند (نه به دلیل مرد بودن)، هم برای زنان و هم مردان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی می‌کنند به این جهت نمی‌توان به سادگی مردان را دشمن اصلی زنان دانست؛ بلکه دشمن اصلی زنان و کلیه‌ی اقشار زیر ستم، نظام استکباری، طبقاتی و ظالمانه‌ی حاکم بر جهان است؛ بنابراین وقتی بیشتر خواسته‌های زنان، جایگاه و حقوق برابر با مردان باشد و کمتر به موضوعات با ارزش‌تر و بالاتر از جمله عوامل پیدایش زمینه برای به قدرت رسیدن زنان، توجه شود، دستیابی به حقوق کمی برابر با مردان هم میسر نمی‌شود.

نکته‌ی قابل توجه آن است که در کشورهای غربی، اگرچه به ظاهر به زنان آزادی و حق «انتخاب» داده شده، ولی انتخاب با قدرت «اختیار» متفاوت است. انتخاب هنگامی است که انسان از بین چند موضوع یا گزینه یکی را می‌پسندد؛ البته پسند نیز به انگیزه‌ی فرد که از قبل در یک نظام، شکل گرفته، باز می‌گردد. نظام مادی غرب، سازمان‌ها، اشخاص و یا

دستگاه‌های خود را مسوول طراحی، برنامه‌ریزی و تولید فرآورده‌ها و گزینه‌ها می‌داند که مردم از جمله زنان، از بین آن‌ها، حق انتخاب دارند. این انتخاب «آزادی» نامیده می‌شود و بعضی از زنان ایرانی هم به دنبال این آزادی هستند؛ در حالی که آزادی موقعی معنا می‌یابد که زنان خود در تولید گزینه حضور داشته باشند.

در مقابل انتخاب، «اختیار» به معنای «ایجاد» است؛ مانند صفحه‌ای خالی که انسان بر روی آن موضوع یا مطلبی را به دلخواه قرار می‌دهد. آزادی واقعی با قدرت «اختیار» عملی می‌شود.

۳. بازنگری مبانی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

از موضوعات مورد گفت‌وگو و مناقشه، الحاق یا عدم الحاق به سند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان «CEDAW» است. در این سند هم هدف، همانند خواسته‌های اغلب نهضت‌های زنان، ایجاد تساوی با مردان و یا بهره‌وری از امتیازاتی است که بیش از هر چیز در بلند مدت به زنان آسیب می‌رساند. (مانند: حق سقط جنین، کنترل موالید، همسان سازی‌های ژنتیکی...) مبنای حاکم بر کنوانسیون هم ایجاد تساوی کمی زنان با مردان در موضوعاتی مانند: اشتغال، تحصیل، مناصب سیاسی و اجتماعی است و کمتر به شیوه‌ی پیدایش اصول حاکم بر نظام‌های تصمیم‌گیری و علل تبعیض و تفاوت‌ها و ضرورت همسان بودن قوانین برای زنان و مردان در کشورها می‌پردازد؛ به عبارت دیگر مبنای شناخت موضوع زنان در تدوین کنوانسیون، فقط نگرشی مادی گرایانه است که مرزی بین رشد مادی و توسعه‌ی انسانی قایل نمی‌شود و بهره‌مندی‌های مادی به عنوان اصلی‌ترین متغیر معرفی شده است.

در دیدگاه مادی، انسان به عنوان موجودی «انتخاب‌کننده» تعریف می‌شود که سزاوار بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در تمام زمینه‌ها است.^۳ بنا به نظر خانم «مولراو کین» (Susan Moller Okin) نظریه پرداز فمینیست «ابتدا لازم است تا زنان



طبقه‌بندی ویژه‌ای را به خود اختصاص دهند و حمایت و انتخاب حقوق بشر، راه مناسب مدافعان حقوق زن است. دوم سیاست‌هایی که در جهت دستیابی به اهداف خاصی اعمال می‌شود با مطرح ساختن مسأله‌ی تنوع فرهنگی یکسان بوده و بر این اساس تأیید و تأکید بر حقوق فرهنگی، نژادی، قومی و یا مذهبی، اتحاد جهانی زنان را تهدید می‌کند.^۴

محور دیگر، تأکید کنوانسیون بر «تساوی»^۵ زن و مرد بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های روحی، فکری و رفتاری است که خود منشاء نوعی تبعیض، تحقیر و پیدایش شکل‌های دیگری از ظلم نسبت به قشر زنان می‌شود، شاهد این مسأله گزارشات مراکز پزشکی، حقوقی و جزایی دولت‌های صنعتی مبنی بر افزایش نرخ خانواده‌های تک والدینی، افزایش ناهنجاری‌های اخلاقی، رشد میزان موالید نامشروع، افزایش میزان بیماری‌های روانی در زنان به دلیل وجود فشارهای زیاد در جهت تأمین معیشت و عدم تناسب بین وظایف شخصی و حمایت‌های اجتماعی است.

به دلیل وجود پیش فرض مادی در زمینه‌ی تعریفی از انسان و جایگاه زن و مرد در چارچوب «یک نظام هماهنگ» تفاوت‌های جنسیتی، منشاء تبعیض بین زن و مرد در متن کنوانسیون معرفی شده و «تساوی» دو قشر به عنوان راهبردی برای رفع هرگونه ظلم علیه زنان اعلام شده است.

۴. موضع‌گیری درباره‌ی الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض زنان

بیشتر موافقان الحاق به کنوانسیون در ایران با بررسی مفاد کنوانسیون و با دیدگاه خاص و با توجه به مغایرت بعضی مواد آن با شرع مقدس و قوانین مدنی، در صدد پذیرش و تأیید معاهده‌ی بالا با اعمال بعضی اصلاحات و تحفظات هستند که این برخورد نوعی جزئی‌نگری تلقی می‌شود. دفاع تعددی و سلیقه‌ای از احکام اسلامی، ابتدا انسان را در موضع انفعالی قرار داده و در مرحله‌ی دوم زمینه‌ای برای جدا دیدن دین از عمل و اجرا فراهم می‌کند و ضعیف جلوه دادن احکام دینی، راه را برای حمله و مخالفت کسانی که مدعی

برابری و آزادی هستند، هموار می‌کند. به علاوه از آن‌جا که در سال‌های پس از انقلاب الگوهای دینی از زن به طور معمول به صورتی دست نیافتنی و اسطوره‌ای مطرح شده، این تصور را ایجاد کرده که زنان بزرگ صدر اسلام برای دوره‌ی خاص و مکان خاصی می‌توانند الگو قرار گیرند، نه برای عصر تکنولوژی و «آزادی» و با این تعریف، محترمانه کنار گذاشته می‌شوند؛ بنابراین باید از روش‌های قاطع‌تر و از موضع برتر برای اثبات برتری الگوهای دینی و احکام اسلامی نسبت به مفاد کنوانسیون رفع تبعیض، استفاده کرد. موضع و منزلتی که انقلاب اسلامی برای زنان در جهان ایجاد کرده است.

همچنین پذیرش این معاهده با قرار دادن حق شرط‌های بسیار کلی و دور از انگیزه‌ی حاکم بر پیدایش سند، عملی منفعلانه محسوب می‌شود و با شرایطی که در کنوانسیون قید شده است، پس از مدتی حق شرط به واسطه‌ی اجماع عمومی از بین خواهد رفت؛ بنابراین، نقد مبنای حاکم بر کنوانسیون و عدم توانایی سند بالا به دلیل یک سونگری در ترسیم جایگاه عادلانه برای زنان، نخستین گام برای به چالش کشیدن این سند در سطح بین‌المللی می‌تواند باشد.

۵. راهبرد برتر در قبال سند کنوانسیون رفع تبعیض

ایران به عنوان یک کشور اسلامی و با دارا بودن قوانین مبتنی بر شرع مقدس اسلام، به عدالت و توازن زن و مرد بدون توجه به جنسیت و تبعیض جنسی در جامعه، قایل است؛ بنابراین، الحاق به معاهده‌ای که تبعیض را به عنوان اصل ملاحظه کرده و در صدد رفع آن است، جای تردید دارد. کشورهای به اصطلاح توسعه یافته، مانند: امریکا «که قوانین را حاکم بر رفتار می‌دانند، تمایل دارند تا در کنوانسیون‌های بین‌المللی عضو نشوند. بسیاری از کشورهایی که دارای سنت قانون‌گرایی قوی هستند، قبل از وضع قوانینی که تضمین‌کننده‌ی اجرای تعهدات توافق‌نامه‌ها باشد، اسناد قانونی بین‌المللی را که بر قوانین داخلی کشورشان تأثیر خواهد داشت، نخواهند پذیرفت.»^۸ در حالی که لازمه‌ی نظام سرمایه‌داری



کنونی، طبقاتی شدن، فقر و تبعیض نژادی و جنسیتی در جامعه است و کشور آمریکا به عنوان پرچمدار اداره این روش، مدعی داشتن قوانینی فراتر از قوانین کنوانسیون در خصوص زنان است.

اسلام به تفاوت های فطری و ویژگی های منحصر به فرد در زن و مرد قایل است که این تفاوت تعیین کننده ی، جایگاه هر یک از دو قشر در تکامل جامعه است. به تعبیر دیگر در نگرش اسلامی، زن و مرد در حقوق انسانی یکسان هستند، ولی در توسعه ی اجتماعی، هر یک با وظایف و ویژگی های خاص، مدارج تکامل را طی می کنند.

منزلت برتر زن بر اساس الگوهای غربی، به تعاریفی باز می گردد که ریشه ی آن انگیزه ها، خواسته ها و اهداف نظام مادی و سکولار است. مانند مفاهیمی چون تساوی، برابری، آزادی و صلح که توسط نظریه پردازان و متفکران غربی از قبل تعریف شده و به کشورهای دیگر تحمیل می شود؛ در حالی که با دیدگاه اسلامی و تکاملی، هر یک از مفاهیم، تعریف و تعبیری متفاوت دارد. مشکل اصلی بعضی از گروه ها و سازمان های زنان در ایران، پذیرش منفعلانه ی تعاریف غربی با مبنای مادی است که در بسیاری از موضوعات از جمله امور مربوط به زنان، متأسفانه تصمیم سازان و متخصصان جامعه در صدد تطبیق قوانین اسلامی با تعاریف و قوانین انسان محور و سکولاریستی هستند:

برای نمونه واژه ی «تبعیض» به جای این که به «عدم برابری کمی» تعریف شود، می تواند به عدم دریافت حقوق طبیعی انسان (که شایستگی آن را دارد) بر پایه ی عدالت، تعریف شود. با این تعریف اگرچه در بعضی قوانین اسلامی (مانند: ارث، دیه، ...،) زنان و مردان برابری کمی ندارند، ولی عدم برابری به معنای تبعیض علیه زنان نیست. مساله ی تبعیض تنها با تعاریف عرف بین الملل و تطبیق اسلام با آن مطرح می شود.

پیشنهاد نهایی برای حفظ موقعیت ایران و پرهیز از موضع گیری های انفعالی، پیدایش سند دیگری است که بتواند جایگاه عادلانه برای زنان ایجاد کند به گونه ای که کلیه ی زنان

جهان اعم از مسلمان و غیر مسلمان، رسیدن به جایگاه برابر با مردان (بر فرض تحقق چنین امری) را کامل‌ترین موقعیت برای خود ندانسته و بپذیرند که حقوق انسانی آنان فقط در سایه‌ی عدالت و جایگاه اجتماعی متناظر و متوازن با مردان تحقق می‌یابد. جمعیت یک‌ونیم میلیاردی مسلمان در جهان و ۱۵۰ کشور اسلامی با غنی‌ترین منابع فرهنگی و اقتصادی و با دارا بودن احکام عدالتخواه و انسان دوستانه اسلامی، نباید در مقابل مفاهیم و اصول مادی گرایانه تسلیم شوند و با قوانین غیر دینی سازش کنند؛ بلکه پیشنهاد می‌شود نمایندگان کشورهای اسلامی به تهیه و تدوین کنوانسیون اسلامی اقدام کنند که در جهت حفظ و بالا بردن عزت و منزلت زنان و نگه‌داری از حقوق آنان با مبانی جدید باشد. بعضی از راهکارهای اجرایی شامل موارد ذیل است:

- توجه به سه محور اساسی در تدوین قرارداد به عنوان فراگیرترین مفاهیم که می‌تواند به عنوان مفاهیم مشترک در بین ادیان الهی و عدالتخواهان جهان طرح شود:
- تعیین متغیرهای مبانی با رویکرد «شناخت شناسانه»ی موضوع بر پایه‌ی «دین و عدالت خواهی». (به جای متغیرهای مادی)

- تعریف از انسان به عنوان موجودی دارای قدرت «اختیار» (به جای حق انتخاب)
- تبیین تفاوت‌های جنسیتی به عنوان منشاء «توازن» بین زن و مرد در جامعه‌ی بشری. (به جای همسان‌سازی و برابری)

- تدوین پیش‌نویس میثاقی مستدل از سوی سازمان کنفرانس اسلامی به سازمان ملل متحد و اعلام خلاءهای موجود در کنوانسیون در موضوعاتی چون عدم توجه به مبانی خانواده و عوارض آن، عملی نبودن بعد اجرایی مفاد کنوانسیون، تعارض قوانین و حقوق انسانی در کشورهای مختلف با مفاد کنوانسیون و اعلام «مبنای جدید» برای تدوین سند.

- ارتباط و همکاری با سازمان‌ها و مراکز مذهبی جهان مانند: واتیکان که مخالفت‌های اصولی بین مفاد کنوانسیون با مسیحیت اعلام کرده است.^۷



-ارتباط سازمانی، رایزنی و فعالیت‌های دیپلماتیک از راه «سازمان کنفرانس اسلامی» بین زنان جوامع اسلامی درباره‌ی مشکلات آن‌ها در سطح بین‌الملل.
در پایان یادآور می‌شود، راهکار توسعه یافته‌ای که بتواند زن را در موضعی برتر قرار دهد، فقط با تولید میثاقی بر اساس «مشترکات ادیان الاهی» از جمله عدالت خواهی، وحدانیت، ظلم ستیزی امکان‌پذیر خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها:

۱-Social Affairs: Annual Report on Equal Opportunities for women Men, European Report,

March, ۱۰, ۱۹۹۹

۲-Conference of European Churches, ۲۰۰۲

Statistics, New National Violence Against Women Survey. ۱۹۹۸

United Nations, Statistic Division

۳- ماده ی سوم کنوانسیون.

۴-Is Multiculturalism Bad For Women, Susan Moller Okin.Prinston University, New Jersey.

۱۹۹۸

۵- ماده ی اول کنوانسیون.

۶- گزارش جهانی فرهنگ، لیندل و. پرات ۱۹۹۸، ص ۳۳۵. مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

۷- در کنفرانس پکن و قاهره مشترکات اساسی بین مواضع مسیحیت و اسلام بیان شده است.

